

۱۶ آذر

پرچم عدالتخواهی جامعه بر فراز دانشگاه!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

حکمتیست ۲۳۶

۳ دسامبر ۲۰۱۸ - ۱۲ آذر ۱۳۹۷
دوشنبه ها منتشر میشود

رویدادهای سیاسی هفته

- ۱- فرانسه ی "جلیقه زردها"
- ۲- اجلاس جی ۲۰ و باریکادبندی جهانی علیه سرمایه داری
- ۳- سلاخی مردم یمن پشت درهای بسته
فواد عبداللهی

۱- جنبش اعتراضی موسوم به "جلیقه زردها" که از سه هفته پیش به صورت سراسری در فرانسه آغاز شد اکنون دیگر رنگ و بوی "شورش محرومین" به خود گرفته است. در پاریس از "پرا" تا خیابان "فوش" و از آنجا تا بلوار "اوسمان" صحنه نبردهای خیابانی معترضان و نیروهای ضد شورش دولت فرانسه است. این جنبش که ابتدا در اعتراض به وضع مالیات بر سوخت های فسیلی و افزایش قیمت بنزین و گازوییل شکل گرفت اینک دامنه ای گسترده تر به خود گرفته و همبستگی و پشتیبانی شمار بیشتری از مردم فرانسه را با خود همراه کرده است. فرانسه امروز در تب اعتراض میلیونها کارگر و انسان شریف علیه سیاست ریاضت اقتصادی میسوزد. هم اکنون هیت حاکمه فرانسه در پس موج اعتراضات کنونی "خطر" عبور محرومین و طبقه کارگر فرانسه از آخرین گزینه دموکراسی پارلمانی یعنی جناب ماکرون را میبینند. بی خود نیست که ایشان، این جنبش را "نامشروع" و عامل "آشوب و برهم زدن نظم" خوانده است. جناب وزیر نیز بعد از گز و نیم گز کردن در بخش خبری تلویزیون فرانسه یادآور شده است که "عده ای تنها برای غارت، دزدی، مجروح کردن و حتی کشتن" به خیابان آمده اند... صفحه ۳

در حمایت از کارگران هفت تپه و فولاد، بانگ رسای آنها در اتحاد دانشجوی و کارگر، در دفاع از قدرت شوراهای، در خواست آزادی اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سبیده قلیان، بیان حضور یک جنبش بزرگ عدالتخواهانه در اعماق جامعه است که دانشگاه و اعتراضات کارگری و معلم و محلات و مردم محروم را به هم پیوند زده است. جنبشی که قد علم کرده و میخواهد بر روی پای خود استوار بایستد، نیروی خود را به میدان بیاورد، متحد کند و برای تامین زندگی ای شرافتمندانه گلوی طبقه حاکم و دولتش را بفشارد.
صفحه ۲

فقط هفت تپه ایها

حق دارند!

خالد حاج محمدی

کارگران هفت تپه در دوره تاریخی پر مشقتی با تمام توان علیه بی حقوقی خود به میدان آمده اند. صدای کارگران هفت تپه در کنار و همراه با اعتصاب بزرگ کارگران فولاد توانست همه موانع سانسور و دیوار استبداد جمهوری اسلامی را فرو ریزد و جامعه را با هفت تپه و فولاد به هم وصل کرد. در تمام این دوره همه سران و روسای ریز و درشت جمهوری اسلامی، همراه با مراکز پلیسی و امنیتی، به تکاپو افتادند. هر روز در قامتی ظاهر شدند تا کارگران هفت تپه و فولاد را به زانو در آورند. ... صفحه ۲

همبستگی یواشکی

مصطفی اسدیپور صفحه ۴

به ۱۶ آذر، روزی که جامعه و صف محرومین آن به تحرکات نسل جوان و تحصیلکرده خود چشم میدوزد نزدیک میشویم. امروز و بعد از خیزش دیمه، خیزش محرومین جامعه و در راس آن طبقه کارگر به فقر و استبداد و بی عدالتی، جامعه وارد فازی دیگر شده است. تحرکات دوره اخیر محرومان برای جامعه ای انسانی و مرفه، مهر خود را به سیمای جامعه کوبیده است.

در دل این اوضاع، تحرکات بزرگ و متحد کارگری در هفت تپه و فولاد همراه با حمایتهای وسیع اقشار مختلف مردم آزادیخواه، عدالتخواهی و ضدیت با استثمار، خواست رفاه و آزادی را به پرچم و محور اصلی تحرکات این دوره جامعه و به محور جدال محکومین علیه حاکمین، از مراکز کار و محلات کارگر نشین تا صف معلمین و دانشجویان تبدیل کرد.

بی تردید ۱۶ آذر امسال رنگ تحولات این دوره و مهر عدالتخواهی جامعه را بر خود خواهد داشت. اعتراضات همین دوره دانشجویان در بخشی از دانشگاههای ایران

آزادی برابری حکومت کارگری

۱۶ آذر ...

حاکمین از بیت رهبری تا کابینه روحانی، از اصولگرا تا اصلاح طلب، صدای حق طلبی محرومین را شنیده اند. همه به تلاش افتاده اند تا با همه شگردهای ممکن از تهدید و ارعاب تا فریب و حيله، مانع به هم پیوستن کل این جنبش، متحد و سراسری شدن و به هم بافتگی آن شوند. همه میدانند که تحركات دانشجویی در ۱۶ آذر امسال

مستقل از دامنه آن، بخشی از اعتراض محکومین جامعه علیه حاکمیت بورژوازی است. همه میدانند که به یمن تحركات دیمه، به حکم اعتراضات کارگر هفت تپه و فولاد و حمایت وسیع جامعه از آنها، به عنوان بخشی از تن واحد خود، دیگر دانشگاه جای میداناری انجمنهای اسلامی، جنبش سبز و سیاه و نارنجی، جای لیبرالها و انواع جریانات ناسیونالیستی نیست. عروج جنبش عدالتخواهانه و رادیکال طبقه کارگر و

محرومان جامعه همه این خار و خاشاک و پارازیتها را از صحنه خارج کرده است. ۱۶ آذر امسال مهر عدالتخواهی طبقه کارگر ایران را بر خود دارد. پرچمی که در ۱۶ آذر امسال به اهتزاز در می آید، خواست محرومان و جنبش و اعتراض عمومی آنها، خواست رفاه، آزادی و امنیت، خواست شوراهای مردمی، خواست فوری آزادی همه زندانیان این جنبش، از دانشجویان زندانی تا کارگران و مشخصا خواست آزادی

فوری نمایندگان کارگران هفت تپه و مدافعان آنها، خواست آزادی معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی را بر خود حک کرده است. تلاش حاکمیت برای ارعاب و ترساندن و ساکت کردن نسل جوان در دانشگاه به یمن فضای کل جامعه و به یمن یک تلاش انسانی و برابری طلبانه به وسعت جامعه، محکوم به شکست است. جنبش محرومان جامعه هر روز در گوشه ای و با قدرت بیشتری عرض اندام میکند.

امروز و در آستانه ۱۶ آذر نسل جوان کمونیست تلاش میکند که متحد و روشن و با افق سیاسی خود، نیروی وسیع نسل جوان را حول افق آزادیخواهانه خود متحد کرده و برای جدالهای اصلی آماده کند. جدال بر سر آینده ای آزاد، برابر، مرفه، انسانی و سعادتمند برای اکثریت محروم جامعه! حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) ۱۲ آذر ۱۳۹۷ - ۳ دسامبر ۲۰۱۸

فقط هفت تپه ایها...

تا امروز هفته تپه ای و کارگر فولاد متحد و در کنار هم برای حقوق خود در میان هاله ای بزرگ به قامت ایران و صفی از آزادیخواهان در جهان استقامت و ایستادگی کرده اند و همه تلاشها را جهت سرکوب، خفه کردن صدای نمایندگانشان، ایجاد انشقاق و چند دستگی در میان خود و همه شایعات و پرونده سازی های مهندسی شده علیه نمایندگان و سخنگویان خود را افشا و خنثی کرده اند. مدتی قبل در حمله به هفت تپه تعداد زیادی از نمایندگان و سخنگویان آنها را دستگیر کردند تا اعتصاب شکست بخورد، اما کارگران هفت تپه متحد در کنار هم و متشکل با رفقای خود در فولاد در یک صف ایستادند. آنها اکثر رفقای خود را آزاد کردند و اما تا امروز هنوز اسماعیل بخشی که در این مدت به عنوان نماینده و سخنگوی کارگران در میدان بود در زندان است. سپیده قلیان از حامیان کارگران اعتصابی هنوز در بند است و علی نجاتی از فعالین کارگری و نمایندگان قدیمی

تر کارگران نیز دستگیر و در زندان است. امروز و در این مدت کارگران هفت تپه به روشنی اعلام کرده اند که تا آزادی این سه نفر حتی مذاکره نخواهند کرد. بارها اعلام کرده اند که مذاکره منوط به آزادی گروگانهای آنها نزد جمهوری اسلامی است. اما در یکی دو روز اخیر حاکمین و کارفرما تلاش زیادی بخرج دادند تا کارگران هفت تپه را به زانو در آورند. پدیده اعتصاب شکن و تلاش پلیس و دم و دستگاه کارفرما همراه میدبای وسیع آنها همگی در کنار هم در صدد به زانو در آوردن هفت تپه ای ها هستند. رسانه های جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از ماشین سرکوب با اتکا به تعدادی اعتصاب شکن "پایان اعتصاب" را اعلام کرده اند و در کنار و همراه آنها مشتکی فرصت طلب و غیر مسئول نیز این خبر را در بوق کرده اند. این در شرایطی است که با همه این تلاشها هفت تپه ای ها و نمایندگان آنها هنوز در اعتصابند و تن به این زورگویی نداده اند. این در شرایطی است که سندیکای

کارگران هفت تپه پایان اعتصابی را اعلام نکرده است، و این در شرایطی است که سندیکای کارگران هفت تپه اعلام کرده اند که ۹۶ درصد از کارگران رای به ادامه اعتصاب داده اند. این در شرایطی است که هنوز نماینده آنها اسماعیل بخشی در زندان است و کارگران بر آزادی فوری و بی قید و شرط او و علی نجاتی و سپیده قلیان تاکید میکنند. کارگران هفت تپه هر زمان لازم بدانند و به صلاح بدانند حق دارند تصمیم بگیرند که اعتصاب را پایان بدهند. اما فقط آنها این حق را دارند و تا زمانی که خود هفت تپه ای ها چنین تصمیمی را رسماً اعلام نکرده اند، هر نوع شایعه پراکنی مبنی بر پایان اعتصاب، در کنار تبلیغات مهندسی شده حاکمیت و ارگانهای سرکوب آنها و در کنار اعتصاب شکنان و شایعه پراکنان، در کنار دشمنان کارگران هفت تپه قرار میگیرند. فقط هفت تپه ای ها و نمایندگان آنها حق دارند! کارگران هفت تپه در یک دهه گذشته دهها اعتراض و اعتصاب را پیش برده اند و

هیچ زمانی جایی برای کدخدانمنشی عوامل خانه کارگر و حاکمیت باقی نگذاشته اند. جدال امروز کارگران هفت تپه و فولاد جدال و جنگ آخر نیست. روزی تصمیم گرفتند اعتصاب کنند و هر زمان مصلحت بدانند میتوانند وارد مذاکره شوند و به اعتصاب خاتمه دهند. مهم این است که خود آنها، همانهایی که تا امروز متحد و یکپارچه همراه و در کنار نمایندگان خود اعتصاب کردند، متحدانه و از طریق تشکل مستقل خود و نمایندگانشان پایان اعتصاب خود را هم تصمیم بگیرند و به جامعه هم اعلام کنند. تا کنون کارگران هفت تپه و فولاد قهرمانانه ایستاده اند. جامعه و همه هم طبقه ای های آنها تلاش و مبارزه این دوره آنها و رهبران و سخنگویانشان را ارج میگذارد. آنها در همین مدت گوشه ای از توان خود و طبقه کارگر ایران را در مقابل جامعه نمایش دادند و عظمت عدالتخواهی کارگری خود را به همه ناباوران نیز نشان دادند. امروز هر کس و حتی مخالفین سر سخت

عدالتخواهی طبقه کارگر مدال دفاع از کارگران هفت تپه و فولاد را به سینه میزنند تا برای خود اعتباری بخرند. این موقعیت دستاورد بزرگی برای طبقه کارگر در ایران است. امروز اسماعیل بخشی های هفت تپه و فولاد در چشم جامعه به عنوان شریفترین و جسور ترین و محق ترین و صالحترین رهبران کارگری برسمیت شناخته شده اند و در قلب میلیونها انسان جای گرفته اند. بی تردید کارگران هفت تپه محق اند هر تصمیمی بگیرند! اعتصاب این دوره هم نه اولین و نه آخرین اعتصاب آنها است. قطعاً کارگران هفت تپه متحد خواهند ماند و متحدانه فعالین و گروگانهای خود را آزاد خواهند کرد و قدر اتحاد و یکپارچگی این دوره خود را خواهند دانست. اما کارگر هفت تپه به کدخدا و وکیل احتیاج ندارد. ایلنا و رسانه های جمهوری اسلامی و حامیان مختلف آنها در شایعه پراکنی علیه هفت تپه ای ها شکر میل میکنند که سندیکای هفت تپه را بی اعتبار و پایان اعتصاب را اعلام کنند.



۳- کشتار بی رحمانه مردم یمن توسط ائتلاف عربستان و حوثی های هم جبهه ایران پایانی ندارد. تاکنون بیش از سه میلیون نفر از یمن متواری شده، ده ها هزار نفر کشته و بنابه

آنست.

توقف فوری جنگ و بمباران و قتل عام مردم بی دفاع یمن، پایان گرفتن دخالت قدرتهای منطقه ای و بیرون رفتن نیروهای نظامی حکومتی و تروریست های متفرقه از محل زندگی مردم، خواست مردم متمدن و انساندوست در اقصی نقاط جهان است.

اگر سلاخی انسانها و براه انداختن جنگ های نیابتی در قرن ۲۱ پاسخ دول مرتجع عربستان و ایران برای حل بحران ذاتی نظامشان است، پاسخ طبقه کارگر تنها یک انقلاب کارگری و کمونیستی برای برچیدن این مرتجعین است.

گزارش "صندوق نجات کودکان"، ۸۵ هزار کودک یمنی جان خود را در اثر سوء تغذیه و بیماری از دست داده اند. و این سلاخی در یک بی اعتنایی مطلق جهانی دارد صورت میگیرد!! شرم آور است که چگونه میدیای بی شرافت بورژوازی روز روشن و در مقابل چشم جهانیان، سکوت پیشه کرده است.

جنگ در یمن نه فقط با کشتار و آوارگی بلکه با تخریب و امحاء بخش عظیمی از ثروت اجتماعی کشور فقیر یمن توأم بوده است. طرفین این جنگ برای تقسیم رهبری در منطقه خاورمیانه به جان مردم محروم و بی دفاع یمن و خاورمیانه افتاده اند. اینها جز زور نظامی علیه مردم راه دیگری ندارند. هدف تقسیم قلمرو است و خود جنگ بیش از نتیجه آن به تامین این هدف خدمت میکند. توحش و عدم پایبندی به معیارهای انسانی و حقوقی جزء عوارض جنگهای این دوره نیست، که جزء لازم و ذاتی

افشاگری ندارند. امروز روشن شده که هر چکه آزادی و انسانیت و عدالت در جامعه به دامنه اعتراض و قدرت کارگر و سازمان کارگری در برابر بنگاههای سرمایه داری و احزاب و دولتهای وابسته به آنها گره خورده است. این انتظار از سازمانهای کارگری که مخالف استثمار و استبداد باشند، مخالف فقر و نابرابری و تبعیض باشند، خواهان رفاه اجتماعی باشند و غیره، به انتظار طبیعی مردم تبدیل شده است. کارگر با آزادی و رفاه و بورژوا با تبعیض و چپاول بیش از پیش تداعی شده. بورژوازی و پرولتاریا علنا در مقابل هم ایستاده اند. باریکابندی طبقاتی در جهان امروز و ایجاد صفی متحد، آگاه و قدرتمند در مقابل سرمایه داری و دولت های آن وظیفه ما کمونیستها در دل اوضاع جاری است. جهان در حال تغییر است. روزها و لحظه های سرنوشت ساز و هیجان انگیزی در پیش است. اجلاس جی ۲۰ نشان داد که بندهای این نظام شل تر از آن است که در مقابل هجوم متحزب کمونیستها و طبقه کارگر متشکل یک روز هم دوام آورد.

سرنوشت جامعه به دست نظام سرمایه داری و زنگ تعرض پایین علیه بالا را به صدا درآورده است. شبخ کموناردها بر فراز فرانسه در گشت و گذار است.

۲- اجلاس جی ۲۰ با میزبانی آرژانتین برگزار شد و تمام شد. نه فکری بحال بی غذایی و بی دارویی میلیونها انسان کره خاکی شد؛ نه از شمار گرسنگان و محرومین جهان کاسته شد؛ نه جنگها، سرکوبهای سیاسی، اعدامها، شکنجه ها، محدودیت ها و ممنوعیت ها کم شد؛ نه علیه رشد ناسیونالیسم و راسیسم و مذهب سدی بسته شد و نه ...

این اجلاس پاسخی به معضلات گرهی میلیاردها انسان کره خاکی ندارد. این اجلاس قرار است نشان دهد که چگونه میتوان اوضاع را بیشتر کش داد. چگونه میتوان بحران و بن بست نظام سرمایه داری را با تشدید استثمار طبقه کارگر جبران کرد. چگونه میتوان از بیکاری بیشتر کارگران سود بیشتری به جیب زد. چگونه میتوان دولت و قانون و پلیس و ارتش و زندان را بیشتر به خدمت گرفت تا صدای هر معترضی را در گلو خفه کرد. هویت این اجلاس و دول مربوطه نیازی به

رویدادهای سیاسی ...

و برای حاکمان، هیچ چیز بدیهی تر از این نیست که قهر محرومان را فوراً جنایی اعلام کنند.

اما کار به این سادگی ها هم نیست؛ میدیا و رسانه های اصلی فرانسه از این جنبش به عنوان کابوس طبقه حاکم اسم میبرند. این جنبش آنچنان همه گیر و از پشتیبانی وسیع مردم فرانسه برخوردار است که کمتر رسانه رسمی شهامت دفاع مستقیم از دولت را بخود میدهد. مانپولاسیون ایدئولوژیک فعلا به کناری رفته است. واقعیت جامعه فرانسه در حال زبانه کشیدن است. سرنوشت اکثریت مردم و طبقه کارگر در خطه ای که مهد بزرگترین انقلابات و تحولات تاریخ بشری بوده نه در پارلمان رقم میخورد و نه در ساختارهای سنتی نظام حاکم. جدال واقعی را نه در نزاع های پارلمانی این و آن جناح بورژوازی، بلکه در خیابانها، کارخانه ها و محلات کار و زیست مردم باید جستجو کرد. جنبش "جلیقه زردها" سوت آغاز این جدال است. سوت مرگ آخرین گزینه دمکراسی پارلمانی یعنی جناب ماکرون، سوت پایان نگاه به بالا و رها کردن

حکمت را
توزیع و پخش
کنید!

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

همبستگی یواشکی

مصطفی اسدپور



نامه منتشره از جانب هشتاد سندیکا و تشکل کارگری جهانی به خامنه ای سند تازه ای از بی اشتیایی و "اقدامات" فرمالیستی اتحادیه های کارگری در مقابل تکالیف بی برو برگرد همبستگی و هم سرنوشتی بین المللی خود است. رفقای کمیته همبستگی سوسیالیستی با مبارزات کارگری ایران در فرانسه در جلب حمایت و بستن یک سد دفاعی در مقابل سبعت جمهوری اسلامی در دفاتر این اتحادیه ها را از پاشنه در آورده اند و در مقابل دفتر بین المللی این اتحادیه ها یک دنیا انتظار و تشویش و مخاطره را از گردن باز کرده اند. همانقدر که، بدون تردید، تلاش رفقای "همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه" قابل احترام است، به همان اندازه نمیتوان از جلوه های دردناک دیوار کوتاه انتظارات طبقه کارگر در دنیای امروز گذشت.

سالها است، وامروز بیش از هر وقت دیگر، طبقه کارگر در ایران عموماً، و بخش های مهم صنعتی این طبقه بطور اخص، یک قطب مهم بورژوازی - ارتجاعی دنیای امروز را بر سر اساسی ترین گره گاههای پیشروی طبقاتی به مصاف طلبیده است. سوال اساسی مقابل اتحادیه های کارگری اینستکه با این عرصه مبارزه خود چه خواهند کرد؟ سوال اینستکه این اتحادیه ها تا

چی میزان قدرت خود را حتی در کشور خویش، در تقویت اعتراضات کارگری در ایران بینند؟ سوال اینستکه این اتحادیه ها چقدر دینامیسم مستقل اعتراض کارگری در ایران (حتی در محدوده اتحادیه) را در سایه پراگماتیسم، فرمالیسم و حسابگری خرد و سترونی خویش تشخیص دهند؟ سوال در ساده ترین سطح خود اینستکه چه وقت قرار است به این نامه های بزحمت اعتراضی به نفع یک حمایت شایسته و عملی و موثر پایان داد. بلاخره کی و چگونه قرار است گوش قلتشن های ضد کارگر در ایران در اروپا پیچانده شود؟

کارگران کمونیست! رفقا!

بی تردید تنها طبقه کارگر و کمونیسم اش می تواند اعلام و تضمین کند که خیزش انقلابی عظیمی که در جریان است، فقط برچیدن جمهوری اسلامی را در دستور ندارد، بلکه این خیزش و قیام و انقلاب آتی، تا در هم کوبیدن قطعی حکومت سرمایه و نظام سرمایه داری در ایران، ادامه خواهد داشت.

حذف این رژیم، و خلاصی از جمهوری اسلامی، اولین گام پیروزی و برداشتن مانعی بزرگ بر سر راه مبارزه ضد سرمایه داری و برای آزادی و برابری و حکومت کارگری است.

طبقه کارگر آگاه و کمونیسم اش، باید در صف مقدم و در رهبری و هدایت همه محرومان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق رهایی و خوشبختی قرار گیرد.

ما همه کارگران کمونیست را به پیوستن به حزب کمونیستی خود، حزب حکمتیست (خط رسمی) فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistKhatRasmi

تلاش با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!